موضوع پژوهش (1)

مدينه فاضله امام زمان (عج)

عليرضا انصارى‏

آينده‏گرايى و دغدغه چيستى و چگونگى آينده بشر، يكى از مباحث جدّى در گفتمان‏هاى فكرى است. در همين راستا مكاتب متعددى به وجود آمده‏اند و در صددند به اين پرسش جواب دهند كه قافله انسان به كدام سمت و سو حركت مى‏كند؟ آيا بشر به سوى نااميدى، ظلم و بحران... در حركت است يا به سوى صلح، امنيت، اميد و سعادت؟

درباره آينده بشر و فرجام انسان، ديدگاه‏هاى متفاوتى مطرح است: برخى با ديد مادى به اين امر نگريسته‏اند و آينده بشر را تاريك و مبهم ترسيم نموده‏اند.(1) طرف‏داران اين نگرش، مادى‏ها هستند. عده‏اى ديگر نتوانسته‏اند به اين پرسش، پاسخ دهند و گروهى نيز با طرح نظام اجتماعى و سياسى، به اين پرسش اساسى جواب داده‏اند.

اين مقال، با طرح جامعه آرمانى امام زمان (عج) به اين پرسش جواب داده و مدعى است اسلام، تنها مكتبى است كه توانسته به اين پرسش، پاسخ شفاف و قاطع بدهد.

از منظر اسلام، جامعه بشرى به سوى سعادت و اميد، در حركت است، زيرا در اسلام تحقق جامعه مطلوب و ايده‏آل، امرى قطعى مى‏باشد، كه ما از آن به «جامعه آرمانى» و يا «آرمان شهر مهدويت» ياد مى‏كنيم.

يكى از مفاهيم بلند فرهنگ مهدويت، ترسيم جامعه ضابطه‏مند و تشكيل حكومت جهانى است كه در آن همه خواست‏هاى انسان، محقق خواهد شد. اين همان جامعه‏اى است كه تمام انبيا، معصومان و اولياى خدا در صدد تحقق آن بوده‏اند، اما موفق به تشكيل آن نشدند.

از آن‏جا كه آينده‏گرايى(Futurism) يكى از دغدهاى مهم مصلحان و نظريه‏سازان محسوب مى‏شود، عده‏اى از متفكران، طرح «جامعه برين» يا «بهشت موعود» را مطرح ساخته‏اند. چنين جامعه فرضى را در زبان لاتين، «اتوپيا» و در زبان و ادبيات عرب، «مدينه فاضله» و در فرهنگ فارسى، «آرمان شهر» نام نهاده‏اند. در اين شماره، به دلايل و شواهد جامعه آرمانى امام زمان (عج) اشاره مى‏كنيم.

دلايل و شواهد امكان آرمان شهر مهدويت‏

ما شيعيان عقيده داريم كه آرمان شهر مهدويت روزى ايجاد خواهد شد، زيرا خداوند و معصومان وعده آن را داده‏اند و وعده الهى تخلف ناپذير است. اما دلايل امكان تحقق اين آرمان شهر چيست؟ در ادامه به اين دلايل اشاره مى‏كنيم.

الف) آيات قرآن‏

گرچه در قرآن آيات صريحى درباره جامعه امام زمان (عج) وجود ندارد ولى مفسّران، آيات متعددى را به امام زمان (عج) و حكومت جهانى وى تأويل كرده‏اند، كه از دل آن‏ها اين نويدها آشكار مى‏شود: نفى فتنه در كل جهان، غلبه دين خدا و يكتاپرستى، اتمام نور خدا بر زمين، نابودى باطل، به ارث رسيدن زمين براى صالحان و پرهيزگاران و غلبه قطعى راه انبيا و فرستادگان و... . اين‏گونه مژده‏ها در متجاوز از يكصد آيه آمده(2) كه به بعضى از آن‏ها اشاره مى‏شود:

1 - حكومت مستضعفان‏

- «و نريد ان نمن على الذين استضعفوا فى الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثين و نمكن لهم فى‏الارض ...؛(3) و ما بر آن هستيم كه به مستضعفان روى زمين نعمت دهيم و آنان را پيشوايان سازيم و وارثان گردانيم». اين آيه اگر چه به مناسبت داستان فرعون و موسى (ع) و بنى اسرائيل نازل شده، اما مدلول آن عام بوده و بيان‏گر سنّتى است كه خداوند در ميان مردم جارى ساخته است؛ به عبارت ديگر اين آيه بيان مى‏كند كه خداوند به زودى مستضعفان را بر مستكبران پيروز مى‏گرداند و آن‏ها را وارث شهر مستكبران مى‏نمايد. اين، يك سنّت الهى است.

در حديثى كه از «مفضّل بن عمر» روايت شده چنين آمده است: از امام صادق (ع) شنيدم كه فرمود: پيامبر اسلام (ص) نگاهى به على، حسن و حسين (ع) انداخت و در حالى كه گريه مى‏كرد فرمود: شما مستضعفان پس از من هستيد. مفضّل مى‏گويد: پرسيدم معناى اين سخن چيست؟ امام در جواب فرمود: معناى اين سخن آن است كه شما امامان بعد از من خواهيد بود. خداوند متعال مى‏فرمايد: «و ما بر آن هستيم كه بر مستضعفان روى زمين نعمت دهيم و آنان را پيشوايان و وارثان گردانيم.»(4)

2 - حاكميت صالحان‏

- «و لقد كتبنا فى الزبور من بعد الذكر ان الارض يرثها عبادى الصالحون؛(5) و ما در زبور، پس از ذكر (تورات) نوشته‏ايم كه بندگان صالح من اين زمين را به ارث خواهند برد». مراد از «زبور» در اين آيه، زبور داود (ع) است؛ چنان‏كه در سوره نساء (آيه 163) و سوره اسراء (آيه 55) آمده است: «و آتينا داود زبورا».

زبور همان كتاب «مزامير» است كه در ضمن كتاب عهد قديم آمده است. در اين كتاب مى‏خوانيم:

- «از خشم دورى كن و از دشمنى بپرهيز، فريب كارهاى ناشايست را نخور، زيرا كسانى كه كار ناشايست انجام مى‏دهند بركنده خواهند شد... .»(6)

- «و كسانى كه انتظار پروردگار را مى‏كشند وارث زمين مى‏شوند.»(7)

- «و اما كسانى‏كه به سكون و آرامش دست يافته‏اند وارث زمين مى‏شوند و در نهايت سلامت، به كام‏جويى مى‏پردازند.»(8)

- «زيرا خجستگان و بركت يافتگان از آن‏ها وارث زمين مى‏شوند و نفرين‏شدگان از آن‏ها ريشه‏كن مى‏شوند.»(9)

- «درست‏كاران وارث زمين شده و تا ابد در آن ساكن مى‏شوند.»(10)

3 - جانشينى مؤمنان‏

- «وعد الله الذين آمنوا منكم و عملوا الصالحات ليستخلفنهم فى الارض كما استخلف الذين من قبلهم و ليمكنن لهم دينهم الذى ارتضى لهم و ليبدلنهم من بعد خوفهم امنا يعبودننى لا يشركون بى شيئا؛(11) خدا به كسانى از شما كه ايمان آورده‏اند و كارهاى شايسته كرده‏اند، وعده داده كه در روى زمين جانشين ديگرانشان كند، هم‏چنان كه مردمى را كه پيش از آن‏ها بودند جانشين ديگران كرد و دينشان را كه خود برايشان پسنديده است، استوار ساخت و وحشتشان را به ايمنى بدل كند. مرا مى‏پرستند و هيچ چيزى را با من شريك نمى‏كنند.»

يكى از آيات قرآن كه صالحان را به استقرار نظام توحيدى و انسانى بشارت مى‏دهد همين آيه است. در شأن نزول آن آمده است: به دنبال هجرت مسلمانان به مدينه، اعراب بر ضد آن‏ها قيام كردند، به طورى كه ناچار شدند اسلحه را از خود دور نكنند و با سلاح بخوابند و با سلاح برخيزند. ادامه اين حالت براى مسلمانان رنج‏آور بود. بنابراين از پيامبر (ص) مى‏پرسيدند: آيا زمانى خواهد رسيد كه آرامش حكمفرما گردد؟ اين آيه فوق نازل شد. گرچه نمونه‏اى از اين زندگى ايده‏آل در اواخر عمر رسول خدا (ص) در جامعه مدينة النبى حاصل شد، اما آيه شريفه يك قاعده كلى را بيان مى‏كند و مصداق كامل آن، حكومت مهدى (عج) است كه طبق عقيده شيعه و سنّى، سراسر زمين را پر از عدل و داد خواهد كرد.(12)

4 - حاكميت دين در جهان‏

- «هو الذى أرسل رسوله بالهدى و دين الحق ليظهره على الدين كله و لو كره المشركون؛(13) او كسى است كه رسولش را با هدايت و آيين حق فرستاد تا او را بر همه آيين‏ها غالب گرداند، هر چند مشركان خوش نداشته باشند.»

اين آيه با اندكى تفاوت، در دو مورد ديگر نيز آمده است.(14) در اين آيه تصريح شده است كه اسلام، روزى سراسر جهان را فرا خواهد گرفت. بديهى است كه اين وعده، تاكنون تحقق پيدا نكرده است. از امام صادق (ع) در تفسير اين آيه چنين نقل شده است: «به خدا سوگند، هنوز محتواى اين آيه تحقق نيافته است و تنها زمانى تحقق مى‏پذيرد كه قائم ما خروج كند. وقتى كه او قيام كند، كسى كه خدا را منكر شود، در تمام جهان باقى نخواهد ماند».(15) امام باقر (ع) نيز در تفسير اين آيه مى‏فرمايد: «وعده‏اى كه در اين آيه است، به هنگام ظهور مهدى آل محمد (ص) تحقق پيدا مى‏كند و در آن روز هيچ كس در روى زمين نخواهد بود، مگر اين‏كه به حقّانيت محمد (ص) اقرار مى‏كند.»(16)

شهيد مطهرى (ره) بر اساس روايات و آياتى مانند همين آيه، جامعه آرمانى امام زمان (عج) را مطرح كرده و مى‏گويد: انديشه پيروزى نهايى نيروى حق و صلح و عدالت بر نيروى باطل و ستيز و ظلم، گسترش جهانى ايمان اسلامى، استقرار كامل و همه جانبه ارزش‏هاى انسانى، تشكيل مدينه فاضله و جامعه ايده‏آل، و بالاخره اجراى اين ايده عمومى و انسانى به وسيله شخصيتى مقدس و عالى‏قدر كه در روايات متواتر اسلامى از او به «مهدى» تعبير شده، انديشه‏اى است كه كم و بيش همه فرق و مذاهب اسلامى - با تفاوت‏ها و اختلاف‏هايى - بدان مؤمن و معتقدند، زيرا اين انديشه، به حسب اصل و ريشه، قرآنى است. اين قرآن مجيد است كه با قاطعيت تمام، پيروزى نهايى ايمان اسلامى،(17) غلبه قطعى صالحان و پرهيزگاران،(18) كوتاه شدن هميشگى دست ستم‏كاران و جبّاران(19) و آينده درخشان و سعادت‏مندانه بشر(20) را نويد داده است... .(21)

ب) احاديث و روايات‏

يكى از دلايل بسيار مهم تشكيل حكومت جهانى امام زمان (عج)، روايات معصومان است كه در قالب الفاظ مختلف و در محورهاى متعدد، بيان شده است. در برخى روايات، از آخرين حكومت و آخرين دولت سخن به ميان آمده است. در برخى روايات ديگر، ويژگى‏هاى حكومت امام زمان (عج) مطرح شده و در بعضى روايات نيز ويژگى‏هاى امام زمان (عج) بيان شده است.

از مجموع روايات، اين مطلب استفاده مى‏شود كه امام زمان (عج) جامعه مطلوب را تشكيل خواهد داد. در اين جامعه، خواسته‏ها و نيازهاى انسان‏ها تأمين خواهد شد و همه آن‏ها به آرزوى خود خواهند رسيد. در اين خصوص روايات متواتر و فراوانى وجود دارد كه از شيعه و سنّى نقل شده است. حتى چند نفر از علماى اهل سنّت كتاب‏هايى درباره حضرت مهدى و اثبات وجود آن حضرت و اين‏كه خواهد آمد و زمين را پر از عدل و داد خواهد كرد و...، نوشته‏اند. در كتاب ارزش‏مند منتخب‏الاثر، نوشته آية الله صافى گلپايگانى، احاديث بسيارى راجع به امام زمان (عج) و مسائل مربوط به ولادت و غيبت و ظهور و حكومت او از حدود شصت كتاب از اهل سنّت گردآورى شده است.

پنج مورد از كتاب‏هاى عالمان اهل سنّت كه حتى نام پشت جلد آن‏ها به مهدى اختصاص يافته، عبارت است از: مناقب‏المهدى از ابونعيم اصفهانى، اخبارالمهدى از حماد بن يعقوب، علامات المهدى از جلال‏الدين سيوطى، البيان فى اخبار صاحب الزمان از گنجى شافعى، و البرهان فى ماجاء فى صاحب‏الزمان از متقى هندى.

آخرين دولت‏

در اين‏جا به اختصار به برخى روايات اشاره مى‏شود كه در آن‏ها تنها كلمه «آخرين دولت» به كار برده شده است. البته در ادبيات دينى - به خصوص ادبيات شيعه - تعبيرهاى متعددى وجود دارد. برخى از تعبيرها درباره حكومت امام زمان (عج) كه در روايات آمده به شرح زير است:

دولت جهانى، دولت عدالت، دولت كريمه، دولت صالحان، دولت حق، دولت مستضعفان، دولت امنيت، دولت رفاه.

يكى ديگر از تعبيرهايى كه از دولت مهدوى شده، تعبير «آخرين دولت» است. امام باقر (ع) مى‏فرمايند: «دولتنا آخر الدول؛(22) دولت ما آخرين دولت است». سپس در پايان كلام خويش مى‏فرمايند: «و هو قول الله عز و جل: و العاقبة للمتقين؛(23) اين همان سخن خداوند است كه مى‏فرمايد: عاقبت از آن پرهيزكاران است». هم‏چنين روايت شده كه امام صادق (ع) در بسيارى از اوقات اين شعر را زمزمه مى‏كرد: «لكل اناس دولة يرقبونها و دولتنا فى آخر الدهر تظهر؛(24) هر مردمى را دولتى است كه منتظر آن هستند و دولت ما در پايان روزگار آشكار مى‏شود.»

در پاره‏اى از روايات، اين حقيقت با عبارت «عاقبت از آن ما خواهد بود» آمده و آيه شريفه «و العاقبة للمتقين» به همين حقيقت تفسير شده است. امام حسن (ع) نيز اين حقيقت را ياد كرده‏اند و امام على (ع) آن را تأييد نموده‏اند.

ابن سيرين مى‏گويد: از چند تن از بزرگان بصره شنيدم كه گفتند: على بن ابى طالب (ع) پس از جنگ جمل مريض شد و نتوانست در نماز جمعه شركت كند. از اين‏رو به فرزندش حسن (ع) فرمود: تو برو و نماز جمعه را با مردم بخوان. امام حسن (ع) به مسجد آمد و بر فراز منبر رفت. ابتدا به حمد و ثناى الهى پرداخت، شهادتين گفت، بر رسول خدا درود و صلوات فرستاد و فرمود: اى مردم! خداوند، نبوت را در ميان ما قرار داد و ما را بر خلق خويش برگزيد و مقدّم داشت و كتاب و وحى خود را بر ما فرو فرستاد. به خدا قسم هر كس چيزى از حق ما كم گذارد، خداوند در دنيا و آخرت از حق او بكاهد و هيچ دولتى ضد ما نباشد، مگر اين‏كه عاقبت از آن ما باشد. آن‏گاه اين آيه را خواند: «و لتعلمُنّ نباه بعد حين؛(25) و قطعاً پس از چندى خبر آن را خواهيد دانست.»

در اين كلام، امام حسن (ع) با بيان اين جمله كه عاقبت از آن ماست، به اين حقيقت توجه مى‏دهند كه دولت اهل بيت، دولت آينده است. جالب اين‏كه امام على (ع) سخنان فرزندشان را مى‏شنيد. پس از اتمام مراسم نماز و بازگشت امام حسن (ع)، امام على (ع) به او نگاهى كرد و بى‏اختيار، اشك‏هايش جارى شد و از فرزندش خواست كه نزديك آيد و ميان چشمانش را بوسيد و اين آيه را خواند كه: «ذرية بعضها من بعض والله سميع عليم؛(26) فرزندانى بودند، برخى از نسل برخى ديگر پديد آمده، و خدا شنوا و داناست.»(27)

اين برخورد امام على (ع)، حكايت از تأييد سخن امام حسن (ع) دارد.

هم‏چنين نقل شده كه امام حسن مجتبى (ع) در خطبه‏اى ديگر همين جملات را درباره دولت اهل بيت بيان كرده است.(28) از امام باقر (ع) نيز نقل شده كه ايشان دولت‏هاى ديگر را «دولت حال» ناميده‏اند و دولت اهل بيت را «دولت آينده».

ابوبكر حضرمى مى‏گويد: وقتى امام باقر (ع) را در شام به نزد هشام بردند، هشام اهل بيت (ع) را به تفرقه‏افكنى متّهم ساخت و امام را بسيار توبيخ كرد. به دنبال وى حاضران در مجلس نيز به نكوهش امام (ع) پرداختند. وقتى آنان خاموش شدند، امام باقر (ع) برخاست و فرمود: اى مردم، به كجا مى‏رويد و شما را به كجا مى‏برند؟ به وسيله ما بود كه خداوند گذشتگان شما را هدايت كرد و هدايت آيندگان شما نيز به وسيله ما انجام مى‏شود. اگر شما سلطنت اكنون را داريد، حكومت ما حكومت آينده است.(29)

چرا آخرين دولت؟

از آن‏چه تاكنون نقل كرديم به خوبى روشن مى‏شود كه اهل بيت (ع) از دولت حضرت مهدى (عج) به آخرين دولت ياد كرده‏اند. اكنون اين سؤال مطرح است كه چرا دولت امام زمان (عج) آخرين دولت است؟

در برخى از رواياتى كه در آن‏ها مسئله آخرين دولت بودن حكومت امام مهدى (عج) مطرح شده، علت آن نيز تبيين شده است. مثلاً امام باقر (ع) پس از آن‏كه فرمود: دولت ما آخرين دولت است، در بيان علت آن مى‏فرمايند: «تا وقتى شيوه حكومت ما را ديدند نگويند: اگر ما هم به حكومت مى‏رسيديم، به شيوه اينان رفتار مى‏كرديم.»(30)

هم‏چنين امام صادق (ع) پس از آن‏كه مى‏فرمايند پيش از برقرارى دولتِ ما همه گروه‏ها به حكومت مى‏رسند، علت اين تقدّم و تأخّر را چنين بيان مى‏دارند: «تا كسى نگويد: اگر ما هم به حكومت مى‏رسيديم به عدالت رفتار مى‏كرديم. پس از آن برپا كننده حق و عدل قيام مى‏كند.»(31)

از اين دو حديث چنين بر مى‏آيد كه علت تأخّر دولت امامت، اتمام حجت تاريخى و عملى است. بايد بشر به تجربه دريابد كه تشكيل حكومت آرمانى و راه عدالت جز از طريق اهل بيت نمى‏گذرد و برقرارى عدالت جز به دست مردان عدالت پيشه و امامان معصوم، ممكن نيست و تنها حكومت و جامعه موفق، حكومت جهانى امام زمان (عج) است كه بعد از همه حكومت‏ها به وجود مى‏آيد. در حديث معروف نبوى، تأسيس چنين حكومتى تخلف‏ناپذير اعلام شده است: «اگر از عمر دنيا جز يك روز باقى نمانده باشد، خداوند آن روز را طول مى‏دهد، تا آن‏كه مردى از خاندان من ظهور كند و دنيا را همان‏گونه كه از ظلم و ستم پر شده است، لبريز از عدل و داد نمايد.»(32)

محورهاى پژوهش:

1 - آينده بشر از ديدگاه شهيد مطهرى (ره).

2 - جايگاه جامعه مطلوب در اديان.

3 - موانع وآسيب‏هاى جامعه مهدوى.

4 - عوامل، زمينه‏ها و راه‏كارهاى ايجاد جامعه آرمانى.

5 - سيماى حكومت امام زمان (عج).

6 - نقش زنان در جامعه امام زمان (عج).

منابع پژوهش:

1 - ابراهيم امينى، دادگستر جهان.

2 - سيدجمال‏الدين دين‏پرور، جهانگشاى عادل.

3 - لطف‏الله صافى‏گلپايگانى، امامت و مهدويت؛ نويد امن و امان.

4 - على دوانى، موعودى كه جهان در انتظار اوست.

5 - ميرزا خليل كمره‏اى، قائم آل محمد (ص) و فلسفه غيبت.

6 - محمدتقى شريعتى، مهدى موعود امم.

7 - محمدرضا حكيمى، خورشيد مغرب.

8 - محمد حكيمى، در فجر ساحل.

9 - سيدمحمود طالقانى، آينده بشريت از نظر مكتب ما.

10 - مرتضى مطهرى (ره)، سيرى در سيره ائمه اطهار؛ قيام و انقلاب مهدى از ديدگاه فلسفه تاريخ.

11 - محدّث نورى، نجم الثاقب.

12 - حسين فريدونى، امام مهدى، آخرين پناه.

13 - مجله حديث زندگى، شماره 38.

14 - نجم‏الدين طبرسى، چشم‏اندازى به حكومت مهدى.

15 - ناصر مكارم‏شيرازى، مهدى، انقلابىِ بزرگ.

\* \* \*

آخرين مهلت ارسال پژوهش (31/3/1388) مى‏باشد.

به ده مقاله از مجموع مقالات ارسالى مشتركان درباره دو موضوع ارائه شده (1 و 2) كه بيشترين امتياز را كسب نمايند جوايز نفيسى به قيد قرعه اهدا خواهد شد. در ضمن به تعدادى از بقيه مقالات پژوهش‏گران كه معيارهاى مقاله‏نويسى در آن‏ها بيشتر رعايت شده باشد جوايزى اهدا خواهد گرديد.

پي نوشت ها:

1) ر.ك: شهيد مطهرى، قيام و انقلاب مهدى (ع).

2) از جمله: انفال (8) آيه 39؛ توبه (9) آيه 33؛ صف (61) آيه 8؛ اسراء (17) آيه 81؛ انبياء (21) آيه 105؛ مجادله (58) آيه 21. مرحوم سيدهاشم بحرانى بيش از صد آيه مربوط به ظهور مهدى (عج) را در كتاب «المحجة فيما نزل فى القائم الحجة» جمع‏آورى نموده است.

3) قصص (28) آيه 5.

4) شيخ صدوق، معانى الاخبار، ص 79 - 78.

5) انبياء (21) آيه 105.

6) زبور داود، مزمور 9 - 8.

7) همان، مزمور 10.

8) همان، مزمور 11.

9) همان، مزمور 22.

10) همان، مزمور 29.

11) نور (24) آيه 55.

12) تفسير نمونه، ج 14، ص 530 - 526.

13) توبه (9) آيه 33.

14) صف (61) آيه 9 و فتح (48) آيه 28.

15) تفسير نورالثقلين، ج 2، ص 211؛ تفسير نمونه، ج 7، ص 373.

16) تفسير مجمع البيان، ج 5 - 6، ص 25.

17) توبه (9) آيه 33.

18) صف (61) آيه 9.

19) انبيا (21) آيه 105.

20) قصص (28) آيه 45.

21) قيام و انقلاب مهدى، ص 5 به بعد، با اندكى تغيير.

22) شيخ طوسى، الغيبه، ص 472، ح 493؛ روضة الواعظين، ص 291.

23) همان.

24) شيخ صدوق، الامالى، ص 396، ح 3؛ روضة الواعظين، ص 234 و 293.

25) ص (38) آيه 88.

26) آل عمران (3) آيه 34.

27) شيخ صدوق، الامالى، ص 82، ح 121 و ص 104، ح 159؛ بشار المصطفى، ص 263؛ مناقب ابن‏شهرآشوب، ج 4، ص 11.

28) مروج الذهب، ج 3، ص 9؛ نثر الدرر، ج 1، ص 328.

29) الكافى، ج 1، ص 471، ح 5.

30) همان، ص 407، ح 1.

31) شيخ طوسى، الغيبه، ص 472، ح 493.

32) همان، ص 247، باب 25؛ به نقل از: شيخ صدوق، كمال الدين: «لو لم يبق من الدنيا الا يوم واحد، لطول الله ذلك اليوم حتى يخرج رجل من ولدى فيملأها عدلا و قسطا كما ملئت جورا و ظلما».